گزارش

رهبری در پیامی به مناسبت هفته نیروی انتظامی مطرح کردند
فراجا، ازستون‌های مستحکم امنیت کشور

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری: حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی‌خامنه‌ای فرمانده کل قوا در پیامی به مناسبت هفته نیروی انتظامی، ضمن قدردانی از مجاهدت و رشادت فرماندهی شجاع و باهوش و نیروهای غیور فراجا و خانواده‌های آنان، فراجا را از ستون‌های مستحکم امنیت کشور خواندند و تأکید کردند: تقویت همه‌جانبه نیروهای حافظ امنیت از جنبه‌های مختلف خصوصا ارتقاء فناوری‌ها از جمله استفاده هدفمند از هوش مصنوعی، نقش مهمی در کیفیت و تسهیل مأموریت‌ها دارد.

متن پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحیم، امنیت، از مهم‌ترین نعمات الهی است و برقراری آن در نقاط مختلف ایران عزیز، از شهرهای بزرگ تا جزئی‌ترین واحدهای جمعیتی در روستاها و محله‌ها، از مرزبانی‌های سخت در شرایط دشوار آب و هوایی و اقلیم‌های متنوع کوهستان‌ها تا دریاها، از دشت‌ها و جنگل‌ها تا مرکزی‌ترین نقاط کشور، مرهون رشادت و شجاعت نیروهای فداکار و زحمتکش فراجا به‌عنوان یکی از ستون‌های مستحکم امنیت کشور است. این امنیت ابعاد مختلف اجتماعی، اخلاقی و آسایش عمومی را در جامعه فراهم می‌کند و چنین خدمت ارزشمندی علاوه بر جهاد فی‌سبیل‌الله، از پشتوانه اجتماعی قوی برخوردار است. نقش پررنگ فراجا در سطوح مختلف از رده‌های فرماندهی و ستادی تا کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها برای تأمین امنیت در سال‌های اخیر برجستگی بیشتری یافته است و نشانه‌های این تأثیر در جنگ‌های تحمیلی دوم و سوم آشکارتر شد. تمرکز و اصرار دشمن جنایتکار آمریکایی ـ صهیونی برای ضربه‌زدن به رده‌های مختلف فراجا از بالاترین سطوح تا سرپنجه‌های آن نیز اهمیت این نهاد را بیش از پیش عیان نمود. اما این تلاش مذبوحانه و ضربات خباثت‌آلود به ارکان نظم و امنیت جامعه که مشابهی برای آن در طول تاریخ موجود نیست، باعث نشد تا نیروهای شجاع فراجا ذره‌ای از مأموریت خود کوتاه بیایند و حتی در خیابان‌ها و خودروها، همان نقش و وظایفی که در امکنه و مقرهای خود ایفا می‌کردند را به انجام رساندند. به همین جهت ملت مظلوم و مقتدر ایران، قدردان زحمات و تلاش‌های بی‌وقفه خدمتگزاران به امنیت کشور هستند و متقابلا نیروهای فراجا که همانند ارتش و سپاه از عمق جامعه برمی‌خیزند، با رفتار اعتمادآفرین خود می‌توانند اعتماد مردم را به این نهاد ارزشمند ارتقاء ببخشند. ممکن است خیلی از اوقات زحمات و فداکاری‌های حافظان امنیت، نزد برخی افراد عادی‌انگاری شود و همین مظلومیت و گمنامی است که اجر آنان را در پیشگاه الهی افزون می‌سازد. تقویت همه‌جانبهٔ نیروهای حافظ امنیت از جنبه‌های مختلف انسانی، سخت‌افزاری و نرم‌افزاری خصوصاً ارتقاء فناوری‌ها از جمله استفادهٔ هدفمند از هوش مصنوعی در تحلیل داده‌ها، نقش مهمی در کیفیت و تسهیل انجام مأموریت‌های فراجا دارد. با درخواست علو درجات و رضوان الهی برای شهدای والامقام فراجا و قدردانی از همه خانواده‌ها و کارکنان، سربازان، و نیروهای رشید و غیور خصوصاً فرمانده شجاع و خستگی‌ناپذیر و باهوش فراجا و مجاهدت‌های ایشان؛ امیدوارم با دعای سَرورمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در اعتلای امنیت، اقتدار و عزت ایران اسلامی بیش از پیش موفق باشند.

روایتی از حضور مسعود پزشکیان در نشست سران کشورهای مستقل مشترک‌المنافع

راهبرد «اتصال» در برابر «محاصره»


عکس: پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری

وحیده کریمی: در جغرافیای سیاست بین‌الملل، گاه یک نشست، بیش از یک گردهمایی دیپلماتیک و آینه‌ای است که در آن می‌توان نسبت یک کشور با نظم جهانیِ در حال گذار را تفسیر کرد. نشست سران کشورهای مستقل مشترک‌المنافع در ترکمنستان و حضور مسعود پزشکیان در آن، از این جنس است. ایرانِ تحت محاصره، در ساحل شرقی خزر ایستاد تا بگوید محاصره، پایان جغرافیا نیست؛ آغاز محاسبه‌ای تازه است.

محاصره علیه جغرافیا

جمهوری اسلامی ایران این روزها در سخت‌ترین وضعیت چهار دهه گذشته قرار دارد. محاصره دریایی خلیج فارس و دریای عمان، محدودیت پروازهای بین‌المللی، فشار حداکثری بر شبکه بانکی و بیمه‌ای و دو تجاوز نظامی مستقیم آمریکا و اسرائیل در یک سال گذشته، تهران را در تنگنایی قرار داده که هدفش نه صرفا فشار اقتصادی، بلکه قطع نسبت ایران با نظام جهانی است. در چنین وضعیتی، هرگونه کنش دیپلماتیک موفق، پیش از آنکه یک پیروزی سیاسی باشد، یک دستاورد راهبردی است؛ زیرا ثابت می‌کند حلقه محاصره، منافذی دارد که می‌توان از آنها تنفس کرد. سفر پزشکیان به ترکمنستان، درست در همین نقطه معنادار می‌شود. او نه به عنوان ناظر، بلکه به عنوان «میهمان ویژه» -نخستین کشور دعوت‌شده در این جایگاه- در نشستی حاضر شد که هشت کشور عضو آن، از روسیه تا ازبکستان، بخش بزرگی از اوراسیای شمالی و مرکزی را نمایندگی می‌کنند. پزشکیان در سخنرانی خود، در این نشست هسته اصلی راهبرد ایران را این‌گونه بیان کرد: «منافع مشترک ما نه در رقابت میان مسیرها، بلکه در اتصال مسیرهاست». این جمله، در ظاهر یک گزاره اقتصادی است، اما در عمق، یک موضع راهبردی است. ایران در این چارچوب، خود را نه به عنوان یک «مسئله امنیتی» که باید مدیریت شود، بلکه به عنوان یک «مسیر» که باید فعال شود بازتعریف می‌کند. پزشکیان در ادامه گفت: «کشورهای مستقل منطقه ما بیش از هر زمان دیگری به تاب‌آوری در برابر جنگ، بحران، فشار خارجی و اختلال در مسیرهای اقتصادی و ارتباطی نیاز دارد و موفقیت در این مسیر، بیش از هر چیز مستلزم اتصال ظرفیت‌های منطقه به یکدیگر است. منافع مشترک ما، نه در رقابت میان مسیرها، بلکه در اتصال مسیرهاست. برای آسیای مرکزی، جمهوری اسلامی ایران صرفا یک شریک نیست، بلکه یک مسیر طبیعی برای اتصال آسیای مرکزی و اوراسیا به آب‌های آزاد است. بنادر جنوبی ایران در خلیج فارس و دریای عمان به‌ویژه چابهار می‌توانند این منطقه را به آسیای جنوبی، آفریقا و سپس اروپا متصل کنند. در همین چارچوب، پیشنهاد ترکمنستان در مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای ایجاد یک کریدور حمل‌ونقل میان آسیای مرکزی و جنوبی و اروپا از مسیر دریای خزر، می‌تواند با بهره‌گیری از ظرفیت‌های ایران، عملیاتی شود». بنابراین پزشکیان در ادامه سخنانش تاکید کرد: کریدورهای شمال-جنوب و شرق-غرب اجزای یک شبکه واحد منطقه‌ای هستند نه رقیب یکدیگر. بنابراین هر مسیر جدید بر ظرفیت مسیرهای دیگر می‌افزاید و به هم‌گرایی بیشتر در منطقه کمک می‌کند. پزشکیان افزود: همین نگاه را باید در حوزه انرژی نیز دنبال کرد. منطقه ما می‌تواند به‌جای رقابت برای حذف یکدیگر از بازار انرژی، به شبکه‌ای از تولید، انتقال و تبادل انرژی تبدیل شود؛ شبکه‌ای که نفت، گاز، برق و انرژی‌های تجدیدپذیر را به منافع مشترک اقتصادی و ثبات منطقه‌ای پیوند می‌زند. برای تقویت تجارت نیز لازم است سازوکارهای عملی منطقه‌ای، از جمله سازوکارهای مالی و تهاتری، برای تسهیل مبادلات میان کشورهای منطقه مورد توجه قرار گیرد؛ سازوکارهایی که می‌توانند تداوم همکاری اقتصادی را در برابر اختلالات و محدودیت‌های خارجی افزایش دهند. پیشنهاد ایجاد فرمت «کشورهای مستقل مشترک‌المنافع + ایران» یا «CIS+1» را باید در همین قاب تعبیر کرد. این پیشنهاد، پاسخی است به یک خلأ ساختاری ایران که در هیچ‌یک از بلوک‌های منطقه‌ای -نه در سازمان همکاری شانگهای به عنوان عضو اصلی، نه در اتحادیه اقتصادی اوراسیا و نه در CIS- جایگاه تثبیت‌شده‌ای ندارد. فرمت «CIS+1» می‌تواند این خلأ را پر کند؛ سازوکاری منعطف که بدون نیاز به عضویت کامل، همکاری در حوزه‌های ترانزیت، انرژی، تجارت، معدن، سرمایه‌گذاری، فناوری، آب و محیط زیست، گردشگری و ارتباطات علمی و فرهنگی را ممکن می‌کند. اما نقطه قوت این ایده، در ابعاد جغرافیایی آن نهفته است. پزشکیان با تأکید بر اینکه «برای آسیای مرکزی، جمهوری اسلامی ایران صرفا یک شریک نیست، بلکه یک مسیر طبیعی برای اتصال آسیای مرکزی و اوراسیا به آب‌های آزاد است»، به یک واقعیت انکارناپذیر اشاره می‌کند و آن اینکه کشورهای محصور در خشکیِ آسیای مرکزی، برای دسترسی به اقیانوس هند، یا باید از مسیرهای پرهزینه و پرتنش عبور کنند یا از خاک ایران. بنادر جنوبی ایران -به‌ویژه چابهار- در این معادله، هم یک امتیاز برای تهران است و هم یک ضرورت برای منطقه.

دیدار با پوتین؛ پیوندی که فراتر از تشریفات است

در حاشیه نشست، دیدار پزشکیان و پوتین از اهمیت مضاعف برخوردار بود. کرملین اعلام کرد دو رئیس‌جمهور تصمیم گرفتند دیدار خود را یک روز زودتر از برنامه برگزار کنند که می‌تواند نشانه‌ای از فوریت و اهمیت موضوعات مورد بحث باشد. پوتین در این دیدار، روابط تهران و مسکو را «در حال توسعه مثبت» خواند و بر آمادگی روسیه برای «هر کمکی که در توان‌مان باشد» به منظور حل‌وفصل وضعیت خاورمیانه تأکید کرد. اما فراتر از این کلیات، دو نکته در این دیدار قابل تأمل است. نخست، موضع پوتین درباره بحران جاری بود که گفت: «مسئله کلیدی در منطقه، حل بحران موجود است که جمهوری اسلامی ایران در ایجاد آن نقشی نداشته است». این جمله، یک موضع‌گیری سیاسی روشن است؛ روسیه ایران را نه عامل بحران، بلکه قربانی آن می‌داند. دوم، اشاره پوتین به «پیشنهادهای جدید ایران برای پایان جنگ» و تأکید بر اینکه «روسیه تمام تلاش خود را برای حل‌وفصل این بحران از مسیر دیپلماسی به کار خواهد گرفت». این اشاره، حاکی از آن است که تهران و مسکو در حال هماهنگی مواضع خود در قبال بحران جاری هستند، هماهنگی‌ای که می‌تواند در آینده به یک ابتکار دیپلماتیک مشترک تبدیل شود. پزشکیان نیز در این دیدار، با اشاره به تجربه مذاکرات گذشته، گفت: «ما در حال گفت‌وگو هستیم، اما هر بار که با آمریکا مذاکره می‌کنیم، آنها دوباره حمله می‌کنند. با این حال، ما از میز مذاکره و گفت‌وگو عقب‌نشینی نخواهیم کرد». این موضع، ترکیبی است از انعطاف دیپلماتیک و مقاومت راهبردی، الگویی که ایران در سال‌های اخیر بارها از آن استفاده کرده است.

محاصره‌ای که جغرافیا را نمی‌شناسد

سفر پزشکیان به ترکمنستان را باید در چارچوب یک راهبرد کلان‌تر خواند. راهبرد «اتصال» در برابر راهبرد «محاصره». آمریکا تلاش می‌کند مسیرهای ایران را از دریا، هوا، بانک و بیمه قطع کند؛ ایران در پاسخ، بر خشکی، همسایگی، کریدور و بازارهای منطقه‌ای تکیه می‌کند. این راهبرد، نه یک انتخاب ایدئولوژیک، بلکه یک ضرورت جغرافیایی است. ایران با ۱۵ کشور همسایه، در قلب یک قاره قرار دارد که بزرگ‌ترین بازارهای نوظهور جهان را به هم متصل می‌کند. با این حال، این راهبرد چالش‌های خود را دارد. کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، هرچند از فرصت‌های تجاری با ایران استقبال می‌کنند، اما خود را در معرض تحریم‌های ثانویه آمریکا نیز می‌بینند. روسیه نیز اگرچه در سطح سیاسی از ایران حمایت می‌کند، توان اقتصادی آن برای پرکردن خلأ ناشی از محاصره، محدود است و مهم‌تر از همه، فرمت «CIS+1» تا زمانی که به یک سازوکار نهادی با تعهدات مشخص تبدیل نشود، در سطح یک ایده راهبردی باقی خواهد ماند. آنچه در آوازا رخ داد، یک پیروزی نمادین بود: ایران نشان داد می‌تواند در سخت‌ترین شرایط، میزبان دیپلماسی باشد، نه صرفا موضوع آن. اما نماد تا زمانی که به ساختار تبدیل نشود، شکننده است. پرسش راهبردی پیش‌رو این است: آیا تهران می‌تواند از این حضور تاریخی، یک چارچوب همکاری پایدار بسازد که در آن جغرافیا به‌جای محاصره، به موتور توسعه تبدیل شود؟ پاسخ به این پرسش، نه در آوازا، بلکه در ماه‌های آینده و در کیفیت تعامل ایران با همسایگانش روشن خواهد شد.

